

ترکیه با چه اهدافی از ایران خواسته که حملات خود به احزاب کردی را متوقف کند؟

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

ترکیه که بیش از یک قرن است در قانون اساسی خود حضور مردم کرد در ترکیه را انکار کرده؛ حدود ۱۵ سال است جنگ خونینی را علیه مردم کرد سوریه (روژآوا) راه انداخته و سال‌هاست کانتون عفرین کردستان سوریه را هم‌چنان در اشغال خود گرفته است ناگهان برای احزاب کرد ایرانی دلسوزی می‌کند و از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد حملات خود به این احزاب مخالف خود در اقلیم کردستان عراق را متوقف کند؟! دولتی که دستانش به خون هزاران چریک حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و شهروندان کرد و سایر نیروهای مخالف خود آلوده است ناگهان داعیه مهربان‌تر از مادر شده، و به احزاب کرد اپوزیسیون جمهوری اسلامی، چراغ سبز نشان می‌دهد؟! حکومتی که در دهه‌های گذشته، طرح‌های نظامی مشترکی را در جهت سرکوب مردم کرد با جمهوری اسلامی اجرا کرده است.

هم‌چنین بنا به گزارش ایسنا، مواضع کُردهای جدایی‌طلب و مخالف جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق طی یک ماه گذشته هدف ۸۸ حمله موشکی و پهپادی قرار گرفت. گزارش ایسنا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۵، اقلیم کردستان عراق طی ماه ژوئیه سال جاری هدف ۸۸ حمله موشکی و پهپادی قرار گرفت. شبکه خبری رووداو گزارش داد که طی این حملات ۱۰ نفر کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند. بر اساس آمار جمع‌آوری شده توسط این شبکه، استان اربیل هدف ۶۶ حمله پهپادی و دو حمله موشکی و استان سلیمانیه هدف ۱۰ حمله موشکی و ۹ حمله پهپادی قرار گرفتند و بخشی از یک موشک نیز در استان حلبچه سقوط کرد.

ایسنا در ادامه گزارش خود، نوشته است: «اقلیم کردستان عراق از ابتدای جنگ علیه ایران تا به امروز هدف بیش از ۹۵۰ حمله پهپادی یا موشکی قرار گرفته است.» تاکنون دولت ترکیه، حتی یک بار هم شده انتقادی از این همه حملات جمهوری اسلامی، به زبان نیاورده است.



به این ترتیب این موضع دولت ترکیه، کمی عجیب به‌نظر می‌آید اما حتماً سیاستی و منفعتی پشت آن خوابیده است. میدل‌ایست‌آی به نقل از چند منبع آگاه، گزارش داده است این درخواست ترکیه در جریان تماس‌ها و دیدارهای اخیر مقام‌های دو کشور به تهران منتقل شده است. چرا که دولت‌های مرتجع ایران و ترکیه در دهه‌های اخیر، بارها طرح‌های مشترکی نظامی علیه کردها برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند.

براساس این گزارش، جودت بیلماز، معاون رئیس‌جمهوری ترکیه، هنگام سفر به تهران برای شرکت در مراسم خاکسپاری علی خامنه‌ای، علاوه بر دیدار با مقام‌های جمهوری اسلامی، با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران، نیز گفت‌وگو کرده است. خبر حضور بیلماز و دیدارهای او در تهران از سوی منابع رسمی نیز تایید شده، اما جزئیات پیام ترکیه درباره توقف حملات به احزاب کرد به‌طور رسمی اعلام نشده است.

میدل‌ایست‌آی، نوشته است پزشکیان در این دیدار، از نقش ترکیه در جلوگیری از اجرای طرحی منتسب به اسرائیل برای آغاز شورش مسلحانه در مناطق کردنشین غرب ایران قدردانی کرده است. به‌گفته منابع این رسانه، مقام‌های ترکیه پیش‌تر به آمریکا هشدار داده بودند که مسلح کردن گروه‌های کرد و تلاش برای حمله زمینی به ایران، نه‌تنها امکان موفقیت اندکی دارد، بلکه می‌تواند امنیت ملی ترکیه را نیز تهدید کند.

این بخش از گزارش، از جمله ادعای وجود طرح مشترک موساد و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا برای به‌کارگیری نیروهای کرد، تاکنون از سوی دولت‌های آمریکا، اسرائیل، ترکیه یا مقام‌های اقلیم کردستان رسماً تایید نشده است. میدل‌ایست‌آی می‌گوید مقام‌های ارشد دولت دونالد ترامپ نیز درباره توانایی احزاب کرد ایرانی برای پیش‌برد عملیات زمینی علیه جمهوری اسلامی تردید جدی داشته‌اند.

اما هشدار تازه آنکارا به تهران، نشان می‌دهد مخالفت ترکیه با استفاده اسرائیل از «کارت کردها»، به‌معنای حمایت از ادامه حملات جمهوری اسلامی به احزاب کرد نیست. ارزیابی ترکیه این است که فشار نظامی بیش‌تر می‌تواند حزب دموکرات کردستان ایران، کومه‌له و حزب آزادی کردستان را به دریافت کمک از اسرائیل و کشورهای غربی سوق دهد و اقلیم کردستان عراق را به جبهه تازه‌ای در جنگ منطقه‌ای تبدیل کند.

از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران در اواخر فوریه ۲۰۲۶، مواضع شماری از احزاب کرد ایرانی در شمال عراق چندین بار هدف حملات پهنپای و موشکی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. حزب دموکرات کردستان ایران در ماه آوریل، اعلام کرد اردوگاه آن در نزدیکی دگله هدف حمله پهنپای قرار گرفته؛ حمله‌ای که به گفته این حزب، پنجمین حمله به همان اردوگاه در فاصله یک ماه بود.

یکی از نگرانی‌های اصلی آنکارا، تاثیر گسترش درگیری‌ها بر روند صلح با حزب کارگران کردستان، پ‌ک‌ک، است. این حزب در سال ۲۰۲۵ پایان مبارزه مسلحانه و انحلال ساختار نظامی خود را اعلام کرد، اما اجرای توافق به‌دلیل اختلاف بر سر تضمین‌های قانونی، نحوه خلع سلاح و وضعیت اعضای آن با تأخیر روبه‌رو شده است.

جنگ ایران نیز این روند را به‌شدت کند کرده است. رویترز پیش‌تر گزارش داده بود که پیامدهای جنگ، گفت‌وگوهای ترکیه و پ‌ک‌ک را تقریباً متوقف کرده و دو طرف را نسبت به برداشتن گام‌های بعدی محتاط ساخته است. آنکارا خواهان خلع سلاح کامل است، در حالی که طرف کرد پیش از آن خواستار تضمین‌های حقوقی و سیاسی شده است.

دولت ترکیه در نظر دارد لایحه‌ای را به پارلمان ارائه کند که امکان بازگشت بخشی از اعضای سابق و غیرمسلح پ‌ک‌ک به این کشور و ادغام دوباره آنان در جامعه را فراهم کند. مقام‌های ترکیه آرامش در شمال عراق را برای اجرای این نقشه ضروری می‌دانند و نگران‌اند حملات ایران یا ورود اسرائیل به معادلات اقلیم، تعادل شکننده موجود را بر هم بزند.

روابط میان دو حزب اصلی اقلیم کردستان نیز در محاسبات ترکیه اهمیت دارد. حزب دموکرات کردستان به رهبری خاندان بارزانی روابط نزدیکی با آنکارا دارد، در حالی که اتحادیه میهنی کردستان، وابسته به خاندان طالبانی، به‌طور سنتی به تهران نزدیک‌تر بوده است. تبدیل مناطق تحت نفوذ این دو حزب به میدان رقابت ایران و اسرائیل می‌تواند اختلافات داخلی اقلیم را تشدید کند.

براساس گزارش میدل‌ایست‌آی، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی، با وجود رقابت‌های دیرینه، در یک موضوع موضع مشترکی اتخاذ کرده‌اند: احزاب کرد ایرانی نباید به جنگ علیه جمهوری اسلامی وارد شوند. رهبران اقلیم نیز ظاهراً تمایلی به مشارکت در طرح نظامی مورد حمایت آمریکا و اسرائیل نشان نداده‌اند.

میدل‌ایست‌آی در پایان می‌نویسد: سیاست کنونی آنکارا بر جلوگیری از شکل‌گیری دو سناریوی هم‌زمان استوار است: از یک سو، ترکیه نمی‌خواهد اسرائیل با مسلح‌کردن احزاب کرد، یک ساختار نظامی تازه در مرزهای ایران، عراق و ترکیه ایجاد کند؛ از سوی دیگر، ادامه حملات تهران به این احزاب را عاملی برای رادیکال‌تر شدن آنان و گسترش نفوذ اسرائیل می‌داند.

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا نیز چندین بار به‌طور غیرمستقیم اشاره کرده بود که آنکارا حتی احتمال ورود به جنگ را برای جلوگیری از شکل‌گیری یک موجودیت استقلال‌طلب‌گردد دیگر در مرزهای خود، با توجه به تجربه‌اش در سوریه، بررسی کرده بود.

ادعای ارسال تسلیحات آمریکایی به احزاب اوزیسیون کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق

اخبار و گزارشات مختلفی حاکی از آنند که تسلیحات آمریکایی ارسال شده برای احزاب کرد ایرانی، با وجود ادعاهای اولیه دونالد ترامپ، هرگز به دست آن‌ها نرسید و هم‌چنان در انبارهای وزارت داخله اقلیم کردستان عراق در اربیل نگهداری می‌شوند.

در ماه فوریه و چند روز پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، دونالد ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده مقدار قابل‌توجهی تسلیحات سبک و نیمه‌سنگین برای احزاب کرد ایرانی ارسال کرده است. طبق ادعای ترامپ، این سلاح‌ها از طریق کردستان عراق (به‌ویژه سلیمانیه) قرار بود به مخالفان کرد جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود، اما به دست آن‌ها نرسید. بعداً بافل طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق، با تأیید این موضوع تأکید کرد که تسلیحات نه در سلیمانیه بلکه به وزارت داخله اقلیم کردستان تحویل داده شده و هم‌اکنون در اربیل نگهداری می‌شوند.

احتمالاً، مقامات کردستان عراق به دلیل تهدیدهای شدید جمهوری اسلامی و خطر درگیری مستقیم، از توزیع این سلاح‌ها میان احزاب کرد ایرانی خودداری کرده‌اند. در حال حاضر به‌نظر می‌رسد پروژه تسلیح کردهای ایران برای ایجاد جبهه داخلی علیه جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده است.

وقتی ترامپ از سلیمانیه نام برد - شهری که تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان عراق است - بافل طالبانی برای رفع اتهام اعلام کرد که تسلیحات در سلیمانیه نیست و به‌طور تلویحی به اربیل اشاره کرد. ظاهراً مشخص شد این تسلیحات در یکی از انبارهای وزارت داخله (وزارت کشور) اقلیم کردستان در اربیل نگهداری می‌شود. کانال هشتم تلویزیون کردستان عراق نیز این جزئیات را تأیید کرده است.

اتحادیه میهنی کردستان رابطه بسیار خوبی با جمهوری اسلامی دارد و به احتمال قوی، این موضوع از طریق آن‌ها به اطلاع مقامات امنیتی ایران رسیده بود. به همین دلیل حملات موشکی و پهنپای ایران به کردستان عراق تشدید شد.

پیش از حمله دوم آمریکا و اسرائیل در فوریه امسال، شش حزب کرد ایرانی؛ یعنی حزب دموکرات کردستان ایران (حدکا)، حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، کومهله زحمتکشان کردستان، حزب آزادی کردستان (پاک)، سازمان خبات کردستان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که متحد شده‌اند. کومهله کردستان ایران به رهبری عبدالله مهتدی، یک هفته بعد به این اتحاد پیوست.

حسین یزدان‌پناه، که القاب و اسامی مختلفی برای خود و سازمانش درست می‌کند از جمله خود را رییس حزب آزادی کردستان و فرمانده «ارتش ملی کردستان»، معرفی می‌کند در گفت‌وگو با ژروزالم پست هشدار داد که خروج یا کاهش حضور نیروهای آمریکایی در اقلیم خودگردان کردستان عراق «راه را برای سلطه کامل ایران» باز می‌کند. او از آمریکا، اسرائیل و عربستان خواست حمایت‌های سیاسی و امنیتی خود را از کردها ادامه بدهند و آن‌ها را «در برابر جمهوری اسلامی تنها نگذارند».

حسین یزدان‌پناه، در گفت‌وگو با روزنامه ژروزالم پست اسرائیل، به تاریخ دوشنبه اول دسامبر ۲۰۲۵، هشدار داده است که خروج یا کاهش حضور ارتش آمریکا در اقلیم کردستان عراق، «راه را برای سلطه کامل ایران» باز خواهد کرد. او خواسته است که «ایالات متحد آمریکا، اسرائیل و عربستان» حمایت سیاسی و امنیتی خود را از کردها متوقف نکنند. یزدان‌پناه در این مصاحبه گفت: «اقلیم کردستان برای غلبه بر هژمونی ایران به کمک قدرت‌های بزرگ نیاز دارد.» او تاکید کرد: «نباید ما را در برابر جمهوری اسلامی تنها بگذارند».

ژروزالم پست می‌نویسد: جنگ دوازده روزه میان ایران و اسرائیل «ضعف‌های راهبردی، نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی» را آشکار کرد. پس از آن، تهران موج گسترده‌ای از بازداشت‌ها و اعدام‌ها را آغاز کرد و بسیاری از بازداشت‌شدگان را «جاسوس اسرائیل» نامید. به نوشته این روزنامه، «بیشتر بازداشت‌ها در مناطق کردنشین صورت گرفت» و تعدادی از دستگیرشدگان کرد به اتهام جاسوسی اعدام شدند.

اما سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومهله، تنها سازمان کردی بود که رسماً به این اتحاد نپیوست و با صدور بیانیه‌ای آن را «پروژه‌ای با اهداف مشکوک» خواند که کردها را به پیاده‌نظام آمریکا و اسرائیل تبدیل می‌کند. در واقع عدم پیوستن کومهله به این اتحاد چندحزبی و مخالفت صریح آن با پروژه آمریکا، موضوع مهمی در تاریخ بسیار حساس کنونی ایران بود.

البته چند سازهایی که از کومهله انشعبا داده‌اند به نام «کومهله» فعالیت دارند: «یک شاخه به رهبری عبدالله مهتدی و شاخه‌ای به رهبری رضا کعبی. اما رهبری سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومهله را رفیق «ابراهیم علی‌زاده» که در حال حاضر تنها سازمان چپ واقعی کردستان ایران است که نفوذ معنوی بسیار زیادی به‌ویژه میان تشکلهای کارگری، زنان، بیکاران، فرهنگیان و روشنفکران و فعالان محیط زیست کردستان دارد.

این موضع سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، تاثیر قابل توجهی نه تنها بر افکار عمومی کردستان گذاشت، بلکه بر افکار عمومی سراسر ایران و اپوزیسیون و شهروندان ایرانی خارج کشور گذاشت و باعث شد بسیاری از تشکلهای کارگری، زنان و محیط زیست به‌صورت علنی یا ضمنی با پروژه تسلیحاتی آمریکا و اسرائیل مخالفت کنند. این مخالفت از همان ابتدا، پروژه تسلیح احزاب کردستانی را به چالش کشید.

به احتمال زیاد، در ارزیابی سیاست آمریکا و اسرائیل، آن‌ها قصد داشت کردهای ایرانی را به‌عنوان نیروی زمینی به کار بگیرند و هم از این اقدام به‌عنوان ابزاری برای فشار روانی و تاکتیکی علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند.

تماس‌های آمریکا به رهبران اقلیم کردستان عراق

زمانی که آمریکا اوایل سال جاری با رهبران اقلیم کردستان تماس گرفت تا آن‌ها را به پیوستن به یک شورش مسلحانه علیه تهران با حمایت موساد و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) ترغیب کند، آن‌ها خود را در برابر یک دوراهی دشوار یافتند.

به نوشته این میدل‌ایست‌آی، حزب دموکرات کردستان (KDP)، حزب حاکم در اقلیم کردستان و تحت رهبری خانواده بارزانی، که از یک حزب همسو در ایران با نام حزب دموکرات کردستان ایران (PDKI) برخوردار است، قرار بود رهبری این طرح پیشنهادی را بر عهده بگیرد.

با این حال، رهبران کرد پس از آن‌چه برای کردها در روژآوا و سوریه رخ داد و آمریکا اوایل سال جاری آن‌ها را به نفع دولت جدید دمشق کنار گذاشت، دلیل چندان‌ی را برای اعتماد به واشنگتن نیافتند.

منابع کرد به میدل‌ایست‌آی گفتند طرح مشترک آمریکا و اسرائیل هم‌چنین پیش‌بینی کرده بود نیروهای پیشمرگه، نیروهای نظامی حکومت اقلیم کردستان، نیز به این حمله بپیوندند، زیرا واشنگتن به توانایی‌های حزب دموکرات کردستان ایران اعتماد نداشت. با این حال، اربیل از این ایده استقبال نکرد.

مهمت آلاجا، کارشناس برجسته ترکیه در امور عراق در این‌باره به میدل‌ایست‌آی گفته است که افزایش فشار نظامی ایران ممکن است به‌طور ناخواسته گروه‌های مخالف کرد، از جمله حزب دموکرات کردستان ایران، کومهله و حزب آزادی کردستان (PAK)، را بیش از پیش به غرب و به‌ویژه اسرائیل، نزدیک کند.

او به میدل‌ایست‌آی گفت: اقلیم کردستان که سال‌ها میزبان این گروه‌ها بوده است، بیش‌ترین هزینه چنین تحولی را خواهد پرداخت. وی افزود:

«این سناریو، افزون بر آن که خطر تبدیل شدن اقلیم کردستان به جبهه‌ای جدید در رقابت ایران و اسرائیل را به همراه دارد، می‌تواند موازنه میان حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان (PUK)، حزب تحت رهبری خانواده طالبانی را نیز شکننده‌تر کند. همچنین ممکن است برای تهران توجیهی فراهم کند تا با استناد به ملاحظات امنیتی، نفوذ خود را در منطقه بیش از پیش گسترش دهد.»

مهمت آلاجا، هم‌چنین افزود که ترکیه همواره در تلاش بوده است با تقویت روابط با اتحادیه میهنی کردستان، که به‌طور سنتی به ایران نزدیک بوده است، آثار بی‌ثبات‌کننده نفوذ ایران در اقلیم کردستان را کاهش دهد. این حزب اوایل ماه جاری با انجام سفری رسمی به ترکیه، روابط خود را با آنکارا عادی کرد. آلاجا به میدل‌ایست‌آی گفت:

«پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان، با وجود رقابت شدید بر سر موضوعات متعدد، بر سر این موضع مشترک به توافق رسیدند که احزاب کُردستانی مخالف جمهوری اسلامی نباید وارد درگیری با ایران شوند.»

وی افزود: «برای ترکیه، مهم‌ترین بُعد این موضوع، روند صلح و معماری امنیتی جدیدی است که آنکارا برای دوران پس از پ‌ک‌ک در پی ایجاد آن است.» او گفت: «گسترش رقابت ایران و اسرائیل به اقلیم کردستان و بازگشت دوباره کارت کردها به کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، محاسبات بلندمدت امنیتی ترکیه را به‌طور مستقیم تضعیف خواهد کرد.»

عقب‌نشینی تاکتیکی یا چهار دهه انتظار در کمپ‌ها

پس از سرکوب دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ در کردستان و سراسر ایران، تا حدودی حزب دموکرات کردستان ایران، به‌ویژه کومه‌له، برای حفاظت از جان مردم عادی در برابر بمباران شهرها توسط جمهوری اسلامی، شهرها را تخلیه و به روستاها و کوهستان‌های استان‌های کردستان و پس از آن به کوهستان‌های اقلیم کردستان پناه بردند.

این عقب‌نشینی در آغاز یک تصمیم تاکتیکی و موقت بود، پیشمرگه‌ها انتظار داشتند طی چند سال با تضعیف جمهوری اسلامی یا تغییر معادلات منطقه‌ای بازگردند. اما چهار دهه بعد، همان کوهستان‌ها به آدرس دائمی این احزاب بدل شده‌اند.

«زرگ‌باز» در حومه سلیمانیه و نواحی هولیر (اربیل) و حومه آن‌ها دیگر کمپ‌های موقت به شمار نرفته‌اند، بلکه به شهرک‌هایی تبدیل شده‌اند که علاوه بر پیشمرگان، خانواده‌ها، مدارس، درمانگاه و آموزشگاه‌های نسل دوم و سوم و چهارم پیشمرگه‌ها را در خود جای داده‌اند.

یکی عامل مهم دیگر، این است که انتظار برای شرایط بهتر، انتظاری که هیچ‌گاه سررسید مشخصی نداشته است. نسل‌های پیاپی پیشمرگه در کمپ‌ها بزرگ شدند و ماندند، به این امید که تحولات ژئوپلیتیک بزرگ فرصتی برای بازگشت مسلحانه فراهم کند. اما جمهوری اسلامی، برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه، در برابر بحران‌های داخلی و بین‌المللی تاب آورد و ساختار امنیتی خود را تحکیم کرد.

این ماندگاری ناخواسته و اجباری، ریشه تراژدی امروز یعنی موشک‌باران‌های مدام و جان‌باختن پیشمرگه‌های این احزاب است. آن‌چه این وضعیت را خطرناک می‌کند، پیش‌بینی‌پذیری آن است.

جمهوری اسلامی ایران، به خوبی می‌داند این کمپ‌ها کجا هستند، چه کسانی در آن‌ها زندگی می‌کنند و چه زمانی آسیب‌پذیرترند. یک هدف ثابت و شناخته‌شده، برخلاف یک شبکه سیال و پنهان، همیشه در معرض ضربه باقی می‌ماند.

این همان چیزی است که می‌توان آن را «تله جغرافیایی» نامید، وابستگی به سرزمینی که خود، زیر فشار قدرتی بزرگ‌تر است.

حملات موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی به احزاب اپوزیسیون کرد، ربط مستقیمی به جنگ اخیر ندارد

پرسیدن این که چرا جمهوری اسلامی این کمپ‌ها را بمباران می‌کند، در واقع پرسش نادرستی است، زیرا پاسخ آن از سال‌ها پیش روشن بوده است. جمهوری اسلامی این احزاب را نه به‌خاطر نقشی که در جنگ اخیر با آمریکا و اسرائیل داشتند، بلکه به‌عنوان تهدیدی بالقوه و نمادینی می‌نگرد که سال‌هاست آن را زیر نظر دارد.

بی‌طرفی احزاب کرد در جنگ اخیر، این محاسبه را تغییر نمی‌دهد، برعکس، خود جنگ و آشفتگی حاصل از آن، فرصتی را فراهم آورده است تا حساب‌های قدیمی را، بدون تحمیل هزینه سیاسی چندانی بر حکومت تسویه کند. به بیان دیگر، جنگ بهانه است نه انگیزه. در واقع انگیزه همان چیزی است که همیشه بوده، نابودی زیرساخت مخالفان مسلح در نزدیک‌ترین فاصله ممکن به مرز.

نکته دیگر این است که هدف قرار دادن این کمپ‌ها، پیامی فراتر از خود احزاب دارد. یک هدف مهم این حملات، این است که به جامعه کرد داخل ایران نشان می‌دهند مقاومت بی‌فایده است حتی اگر چنین مقاومتی آن سوی مرزها باشد.

بمباران، در این معنا، هم ابزار سرکوب مستقیم است و هم ابزار فشار دیپلماتیک غیرمستقیم بر رهبران اقلیم کردستان و هم‌چنین دولت عراق، که این کمپ‌ها را برچینند.

اکنون برای جمهوری اسلامی ایران، بمباران کمپ‌های احزاب کردستان ایران در نزدیکی سلیمانیه و اربیل، در دسترس‌تر، کم‌دفاع‌تر و از نظر سیاسی کم‌هزینه‌تر است.

از همین رو، برای جمهوری اسلامی ایران، این یک انتخاب حساب شده هزینه و فایده است، ضربه به هدفی که کمترین بها و بیشترین بازخورد داخلی را دارد، نه لزوماً هدفی که بیشترین تهدید امنیتی واقعی را ایجاد می‌کند.

اقلیم کردستان، از ابتدا، زیر فشار هم‌زمان دولت‌های ترکیه و ایران بوده و این امر باعث شده است حمایتش از اپوزیسیون کرد ایرانی همیشه مشروط به ملاحظات دیپلماتیک باشد، توافقی که شاید امروز می‌شکند، فردا می‌تواند دوباره بسته شود.

تنگنای دوگانه اقلیم کردستان عراق

بنابه گفته عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، رهبران اقلیم کردستان، بارزانی و طالبانی، از ابتدای جنگ اخیر ایران با آمریکا و اسرائیل، در پاسخ به تماسی فوری عباس عراقچی، تضمین دادند که اجازه استفاده از خاک اقلیم برای حمله به ایران را نخواهند داد.

اگر گفته‌های عراقچی در این مورد درست باشد، می‌توان گفته که این تضمین، به‌خودی‌خود گویای اهرم قدرتمند جمهوری اسلامی بر اقلیم است که در عمل به معنای فاصله‌گیری رسمی از هرگونه عملیات تهاجمی احزاب کردستان ایران از خاک اقلیم بوده است.

اقلیم کردستان، از یک سو با پیوندهای ملی و تاریخی به این احزاب متعهد است و از سوی دیگر به روابط اقتصادی و امنیتی گسترده با ایران، از جمله واردات انرژی و تجارت مرزی، وابسته است.

توافقی‌های مرزی سال‌های اخیر برای خلع سلاح یا جابه‌جایی کمپ‌ها از نواحی نزدیک مرز، بازتاب همین تنگناها هستند، هولیر نه می‌تواند این احزاب را کاملاً اخراج کند، چون هزینه سیاسی داخلی و افکار عمومی کردی را به دنبال دارد، و نه می‌تواند از آن‌ها به‌طور کامل محافظت کند، چون هزینه دیپلماتیک با تهران را بالا می‌برد.

نتیجه این تنگناهایی که اقلیم کردستان با آن روبه‌رو است، سیاستی نیمه‌راه است که نه احزاب کردستان ایران را کاملاً ایمن می‌کند و نه ایران را کاملاً راضی نگه می‌دارد.

در هر صورت جمهوری اسلامی، فارغ از هر بهانه‌ای، سال‌ها است که منتظر دستیابی به فرصت مناسبی برای ضربه زدن شدید به این کمپ‌ها بوده و جنگ اخیر تنها پوششی برای اجرای همان برنامه دیرینه فراهم کرده است.

اما حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، در قنديل مستقر است و تاکنون از این حملات در امان مانده است. به این دلیل که حمله به قنديل، هزینه بسیار بالا برای جمهوری اسلامی ایران دارد. کوهستان‌های قنديل که چندین دهه است نیروهای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در آن جا مستقر هستند به دلیل همین مکان، توانسته‌اند رد مقابل بزرگ‌ترین ارتش ناتو در منطقه، یعنی ارتش ترکیه مقاومت کنند.



تماس‌های تلفنی دونالد ترامپ با رهبران اقلیم کردستان عراق

سه منبع آگاه به وب‌سایت اکسیوس گفته‌اند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ - یکم مارس ۲۰۲۶، در تماس تلفنی با رهبران کرد در عراق درباره جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و تحولات احتمالی پیش‌رو گفت‌وگو کرده است.

اهمیت این تماس‌ها از آن جهت است که هزاران نیرو پیشمرگه کرد در امتداد مرز ایران و عراق دارند و با گسترش جنگ می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

به گفته دو منبع، ترامپ یک روز پس از آن که مجوز کارزار بمباران روز شنبه را صادر کرد، با دو رهبر اصلی جناح‌های عمده کرد در عراق، یعنی مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق و بافل طالبانی، رهبر حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق تماس گرفت. یکی از منابع که در جریان این تماس‌ها بوده، آن‌ها را «حساس» توصیف کرده و از ارائه جزئیات درباره محتوای گفت‌وگوها خودداری کرده است.

یک منبع دیگر گفته است که این تماس‌ها نتیجه ماه‌ها لابی‌گری پشت‌پرده از سوی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، بوده است. اسرائیل طی دهه‌ها روابط امنیتی، نظامی و اطلاعاتی نزدیکی با کُردها در سوریه، عراق و ایران داشته است. یکی از مقام‌ها در این باره گفته است: «برداشت کلی، و قطعاً دیدگاه نتانیاهو، این است که کُردها از سایه بیرون خواهند آمد و قیام خواهند کرد.»

بر اساس اظهارات یک مقام دیگر، نتانیاهو که در ترغیب به حمله و تغییر رژیم در ایران «خستگی‌ناپذیر» بوده، نخستین بار در دیداری در کاخ سفید با ترامپ از نقش‌آفرینی کُردها دفاع کرده است. این مقام گفته است:

وقتی برای نخستین بار (نتانیاهو) آمد و ساعت‌ها با ترامپ نشست، انگار همه‌چیز را از پیش طراحی کرده بود. جانشین را مشخص کرده بود و درباره کُردها هم برنامه داشت؛ دو دسته از گروه‌های کُردی این‌جا و آن‌جا، و این که چه تعداد قرار است قیام کنند.

در پاسخ به پرسشی مشخص درباره تماس‌های ترامپ با رهبران کرد، کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، از ارائه جزئیات خودداری کرد و به اکیسوس گفت: رییس‌جمهور ترامپ طی چند روز گذشته با بسیاری از متحدان و شرکای منطقه‌ای در تماس بوده است.

در همین حال، روز یک‌شنبه «حزب آزادی کردستان» - یک گروه مخالف کُرد-ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق- ایران را به اجرای حملات موشکی و پهنپادی متهم کرد. شش روز پیش از آغاز جنگ نیز پنج گروه مخالف کرد که در عراق پناه گرفته‌اند، از تشکیل «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران» برای مقابله با ایران خبر دادند.

پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ که به سرنگونی حکومت صدام حسین، دیکتاتور عراق، انجامید، کُردها توانستند منطقه‌ای خودمختار در شمال عراق را اداره کنند.

یکی از منابع گفته است:

رییس‌جمهور با همه در حال گفت‌وگو است؛ با رهبران کرد صحبت کرده و با رجب طیب اردوغان (رییس‌جمهور ترکیه) نیز گفت‌وگو داشته است.

در همین حال، برخی سیاست‌گذاران آمریکایی معتقدند نتانیاهو ممکن است شمار کُردهایی را که آماده برداشتن سلاح علیه ایران هستند بیش از حد برآورد کرده باشد، هرچند به گفته یکی از مقام‌ها «این تعداد کم هم نیست». همان مقام افزوده است:

این که نقش آن‌ها در جریان جنگ یا در ایران پس از جنگ چه خواهد بود را نمی‌توانم برآورد کنم.

دونالد ترامپ روز گذشته، دوشنبه ۱۱ اسفند / ۲ مارس در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک پست، احتمال اعزام نیروهای زمینی آمریکا به خاک ایران را رد نکرد و اعلام کرد گزینه اعزام نیرو به ایران هم‌چنان روی میز است.

در پی انتشار گزارش اکیسوس، بامداد امروز سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۴، حدود ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی اقلیم کردستان، مقر حزب دمکرات کردستان ایران مورد حمله نظامی نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت.

گفته می‌شود که در جریان این عملیات، چهار فروند موشک به‌همراه یک پهپاد «کمپ آزادی» وابسته به حزب دمکرات کردستان ایران را هدف قرار داده‌اند و دست‌کم یک عضو این حزب زخمی شده است.

نشانه‌های فزاینده وجود دارد که نشان می‌دهد دولت اسرائیل در حال فشار بر دولت دونالد ترامپ است تا گروه‌های اپوزیسیون کرد ایرانی مستقر در عراق را برای آغاز یک تهاجم زمینی در داخل ایران بسیج کند. اسرائیل و آمریکا در روزهای اخیر زیرساخت‌های امنیتی در استان‌های با اکثریت کرد در غرب ایران را در چارچوب تلاش کلی جنگی علیه ایران هدف قرار داده‌اند.

همان‌طور که اشاره شد هم‌زمان با تجاوز نظامی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی متعددی در نامه‌نگاری با دونالد ترامپ یا در گفت‌وگو با رسانه‌های فارسی و غیرفارسی از این حمله حمایت کردند. بخشی پا را فراتر گذاشتند و گفتند که حاضرند در همکاری با آمریکا و اسرائیل در جنگ مشارکت کنند. در سوی دیگر، ایالات متحده آمریکا مدعی شد برای احزاب کردستانی سلاح ارسال کرده است. خبری که ابتدا از سوی احزاب کردستانی تکذیب شد، در ادامه اما عیان شد مداخله ترکیه و اقلیم کردستان مانع رسیدن سلاح به برخی از احزاب کردستانی که برای مشارکت در جنگ اعلام آمادگی کرده بودند، شده است.

البته تنها عامل این نبود بلکه در درون جامعه کردستان هم صداهای مخالفت با مشارکت در این جنگ بلند شد. سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومله علنی و با صدای بلند با این سیاست مخالفت کردند. همچنین فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کردستان هم نسبت به عواقب مشارکت در این جنگ هشدار دادند.

دبیرخانه مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، در اطلاعیه‌ای نوشت:

«... کومله نه فقط در شرایط کنونی، بلکه در هیچ مقطع و تحت هیچ عنوانی، نه بخشی از پروژه‌های آمریکا و اسرائیل در ایران بوده و نه کوچک‌ترین هماهنگی‌ای با این پروژه‌ها داشته است. این یک موضع تاکتیکی و گذرا نیست، بلکه بخشی از هویت سیاسی، اجتماعی و انقلابی ماست. کومله جنبشی ریشه‌دار در متن رنج، مقاومت و آرمان‌خواهی مردم کردستان است. اعتبار این سازمان نه از اتاق‌های فکر دولت‌های خارجی، نه از مناسبات پشت‌پرده و نه از معاملات امنیتی، بلکه از اعتماد مردم، از پیوند با کارگران، زنان، جوانان و زحمتکشان کردستان، و از ایستادگی بر سنت مستقل و آزادی‌خواهانه مبارزه انقلابی سرچشمه گرفته است.»

مردم کردستان، هرگز دستور آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ برای سرکوب مخالفان و کنترل مناطق کردنشین ایران و رویدادهای ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۵۷، «نوروز خونین سندج» را فراموش نمی‌کنند. به همین دلیل مردم انقلابی کردستان، به هیچ بهایی از سیاست سرنگونی انقلابی و مستقل جمهوری اسلامی دست نمی‌کشند.

آنکارا و تهران، با وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی در چندین پرونده منطقه‌ای، در قبال مسئله کرد به درک امنیتی مشترکی رسیده‌اند که بر مهار ظرفیت‌های سیاسی و نظامی این پرونده و جلوگیری از تبدیل آن به یک متغیر مستقل در معادلات قدرت منطقه‌ای استوار است. ترکیه، برای حفظ معماری امنیتی دوران پس از پکک، آن گونه که خود تصور می‌کند، خواهان توقف فشارهای نظامی ایران است.

اما روشن است که این رویکرد، نه از سر حمایت از احزاب کردستان ایران، بلکه از یک سو برای جلوگیری از سوق یافتن آنان به ائتلاف با اسرائیل و دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای است. از سوی دیگر، هرگونه قدرت‌گیری احزاب اپوزیسیون کرد در کردستان ایران، احتمال دارد سیاست‌های در میان مردم کرد ترکیه به وجود آورد.

جمهوری اسلامی هم با استمرار رویکرد امنیتی و نظامی، بستر بین‌المللی شدن مسئله کُرد و گسترش رقابت ژئوپلیتیکی پیرامون آن را تقویت می‌کند. نتیجه این هم‌گرایی، حل بحران نیست، بلکه مدیریت موقت آن از طریق مهار بازیگران محلی و حفظ موازنه امنیتی موجود است.

استقرار احزاب کردستان ایران در کمپ‌های اقلیم کردستان، محصول یک عقب‌نشینی تاکتیکی در سال‌های نخست انقلاب ۱۳۵۷ بود، اما به مرور به وضعیتی پایدار تبدیل شد.

اما تداوم حضور در مکان‌های ثابت، امکان شناسایی زیرساخت‌ها، مسیرهای تردد و الگوی استقرار نیروها را برای عوامل جمهوری اسلامی سهل‌تر کرد. این تحول، هزینه عملیات تهاجمی را برای جمهوری اسلامی کاهش و هزینه دفاع را برای احزاب افزایش داد. در چنین شرایطی، جغرافیا دیگر مزیت دفاعی محسوب نمی‌شود. جغرافیا به عاملی تبدیل می‌شود که انعطاف عملیاتی را محدود و آسیب‌پذیری را در برابر حملات مکرر افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نقش انقلابی و پیکارگری و آزادی‌خواهی مردم در ۴۷ سال گذشته، به ویژه در جنبش سراسری ایران، جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشان داده‌اند که مردم کردستان ظرفیت بالایی برای تاثیرگذاری بر جنبش سراسری دارند و این پیوند برای حفظ دست‌آوردهای جامعه کردستان نیز امری مهم و حیاتی است. در چنین وضعیتی، اگر احزاب کرد بخواهند برنامه و استراتژی خود را به سیاست‌های آمریکا و اسرائیل گره بزنند، معنی آن این است که از تاریخ مداخلات آمریکا در جهان به خصوص در لیبی، یوگسلاوی سابق، عراق، سوریه، افغانستان و... هم‌چنین از تجربه مبارزات مستقل خود مردم کرد هیچ نیاموخته‌اند. به علاوه، شبکه آی ۲۴ نیوز در ۱۴ تیر / ۵ ژوئیه، به نقل از منابع غربی گزارش داد که رییس‌جمهور ترکیه، ترامپ را تحت فشار قرار داد تا در آخرین لحظه، طرح ادعایی استفاده از نیروهای کرد ک تبعیدی به عنوان نیروی زمینی را لغو کند.

بر اساس گزارش آی ۲۴ نیوز، این طرح شامل اجرای یک عملیات مشترک میان نیروهای اسرائیلی، آمریکایی و نیروهای کرد ایرانی مستقر در عراق بود. هدف ظاهری این عملیات، آغاز یک تهاجم زمینی به ایران، گشودن مسیری مستقیم به سوی تهران و نفوذ به کاخ ریاست‌جمهوری، در چارچوب تلاش‌ها برای سرنگونی جمهوری اسلامی، عنوان شده است.

جداگانه، شبکه عمومی کان نیوز به گزارشی از هآآرتص استناد کرد که در آن از مقام‌های ارشد اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل نقل شده بود ترکیه به واشینگتن و میانجی‌های اسرائیلی پیام داده است که هرگونه نیروی مسلح کرد تقویت‌شده در نزدیکی مرزهای خود را تهدیدی وجودی تلقی می‌کند. به گفته این مقام‌ها، ترکیه تهدید کرده بود که در صورت اجرای تهاجم، از ایران پشتیبانی هوایی خواهد کرد یا مستقیماً علیه نیروهای کرد وارد عمل خواهد شد.

از جمله حملات ۲۶ تیر / ۱۷ ژوئیه در نزدیکی سلیمانیه، ۹ عضو حزب کومه‌له را کشت. پس از آن، حمله پهلادی ۲۸ تیر / ۱۹ ژوئیه در نزدیکی اربیل، هشت نیروی حزب آزادی کردستان را زخمی کرد. رسانه‌های کرد از حملات بیش‌تر ایران در ۳۰ تیر / ۲۱ ژوئیه، خبر دادند و به نقل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش کردند که «مقرهای تروریستی» بمباران شده‌اند.

شکی نیست که تداوم جنگ دولت‌های آمریکا و اسرائیل علیه ایران، صرفاً به جنگ با سران و مقامات و نهادهای سیاسی، نظامی و قضایی حکومت ضدانسانی اسلامی محدود نمی‌شود و علاوه بر نابودی زیرساخت‌های جامعه، جنبش‌های اجتماعی را به حاشیه رانده و برای مردم ایران بسیار پرهزینه است. در نتیجه بحث بر سر مبارزه و سازماندهی سرنگونی حکومت چهل و جنایت و ترور اسلامی است. در موقعیت کنونی، ضرورت دارد که مخالفت صریح با این جنگ ضد‌مردمی صورت گیرد و هم‌زمان بر سازماندهی گسترده‌تر جنبش‌های پیشرو و مترقی مردمی، هم‌زمان مخالفت با تجاوز خارجی و سرکوب داخلی، تاکید گردد. تنها نیرویی که می‌تواند جامعه ما را از چرخه استبداد، تحریم، جنگ و بحران‌های اقتصادی و سیاسی خارج کند، خود جنبش‌های اجتماعی و مردم آزادی‌خواه و مبارز ایران هستند. مردم نه تماشای موقعیت کنونی، بلکه بازیگران فعال آن هستند و باید همین امروز و در دل همین تحولات خود ر سازمان‌دهی کنند و مبارزه پیگیر و هدفمندی را در جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی به کار گیرند. آن چه تعیین‌کننده است، میزان آمادگی و قدرت مبارزات جنبش‌های

اجتماعی و نهادهای مردمی جامعه ماست. نه جنگ، نه امید به قدرت‌های جهانی و نه انتظار راه‌هایی نیستند و رهایی جامعه ما از این همه فلاکت، تنها در گروه آگاهی، سازمان‌یابی و پیگیری مبارزه طبقاتی مردمی نهفته است.

جنبش درخشان و پرافتخار تاریخی کردستان و اعتراضات مردمی داخل ایران، اساسا جنبش‌های مترقی، مدنی، سیاسی و طبقاتی هستند که اجازه نمی‌دهند مردم ابزار پروژه‌های خارجی و یا احزاب وابسته به پروژه‌های خارجی تبدیل شوند.

روزگاری «ناپلئون» گفته بود، که جنگ پیچیده‌ترین تمام معادلات است. پیش‌بینی نتیجه هر جنگی همیشه دشوار است، زیرا عوامل ناشناخته بی‌شماری وجود دارند که دانستن آن‌ها پیشاپیش، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. جنگ کنونی آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بسته به موازنه واقعی قوا که تنها در جریان خود درگیری مشخص خواهد شد، نتایج متعددی ممکن است حاصل شود. لزوما نتایج این جنگ هرچه باشد اما پرواضح است که هرگز به نفع مردم ایران و منطقه منجر نخواهد شد.

ترامپ و نتانیاهو و عروسک کوکی آن‌ها رضا پهلوی، بر این تصور خام بودند که روی یک جنگ کوتاه و آسان علیه ایران حساب باز کنند که به پیروزی ختم شود. آن‌ها، امیدوار بودند فروپاشی جمهوری اسلامی ایران و روی کار آمدن یک دولت طرفدار آمریکا و اسرائیل در تهران را ببینند. اما همان‌طور که اغلب برای قماربازان حرفه‌ای رخ می‌دهد، شرط‌بندی‌ها همیشه موفقیت‌آمیز نیستند و اغلب به فاجعه و باخت ختم می‌شوند.

اما موضع نیروهای آزادی‌خواه، ضدجنگ و کمونیست‌ها در قبال جنگ، روشن و شفاف بوده است که جنگ خوشبختی و آزادی نمی‌آورد به خصوص جنگ خارجی! آن‌هم جنگ

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، جنگ هیولایی‌ترین، مرتجع‌ترین و ضدانقلابی‌ترین دولت‌های کره زمین است. بنابراین، طبیعی است که هر انسان آزادی‌خواه و برابری‌طلب صریحا با این جنگ مخالفت کند و در عین حال از مبارزه مردم ایران در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی دفاع کند. از سوی دیگر، هر نیرو و سازمان و حزب و فردی با دولت‌های آمریکا، اسرائیل و یا ترکیه و ایران و...، همکاری کنند تاریخ از آن‌ها به‌عنوان بدنام‌ترین نیروها یاد خواهند کرد! و جز رسوایی و انزوا چیزی دیگری نصیب‌شان نخواهد شد.

به‌نظر من، موضع درست و اصولی در این شرایط حساس جامعه ایران و منطقه، و موضعی که به نفع مردم ایران است همان موضعی است که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، کومه‌له در پیش گرفته و آن را از طرزریق رسانه‌ها مختلف خود به گوش مردم کردستان و سراسر ایران رسانده است.

در این میان، هرگونه حمایت و یا سکوت در مقابل جنگ و جنایت‌های جمهوری اسلامی، به هیچ‌وجه پذیرفتنی و راه‌حل درستی نیست. طبیعتا وظیفه هر فرد و نیروی آزادی‌خواه مخالفت با جنگ و مبارزه با جمهوری اسلامی است. تحت هیچ شرایطی، مرد نمی‌تواند برای حل مشکلات خود به آمریکا و اسرائیل متوسل شوند و چشم خود را به تجارب جنایت‌های تاریخی آن‌ها در منطقه جهان ببندند.

بیش از هر چیز، اغلب جنگ‌های دولت‌های سرمایه‌داری، بر سر غارتگر و استثمار مردم است که پشت آن نهفته است.

دوشنبه دوازدهم مرداد ۱۴۰۵ - سوم آگوست ۲۰۲۶